



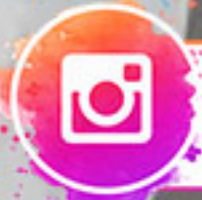
Translate Luna

Clean Luna

Type Mat



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

نشستن و منتظر یه
شوالیه موندن برای
نجات...



... هیچ وقت نمی تونه
با این تجربه مقایسه
بشه.

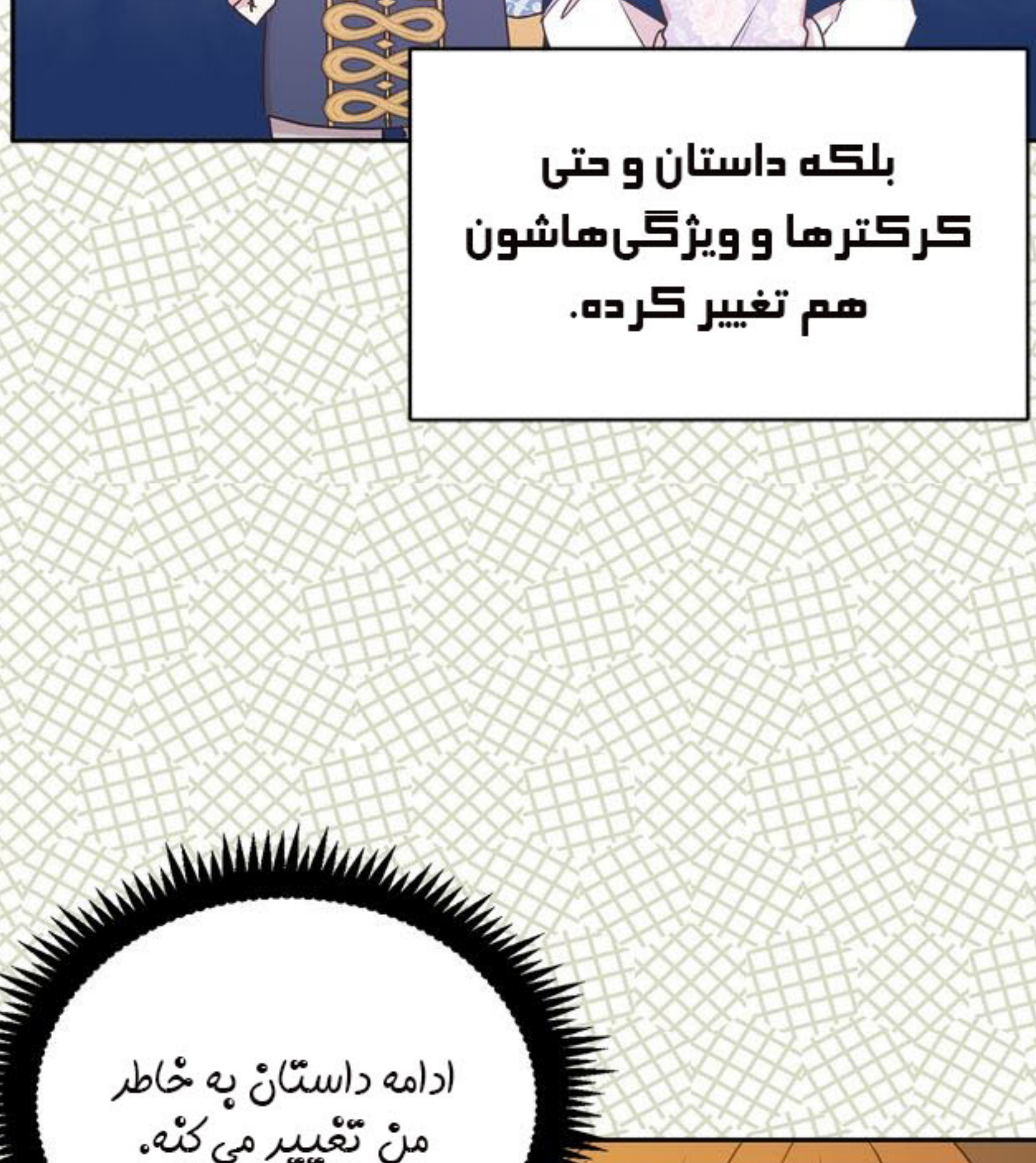
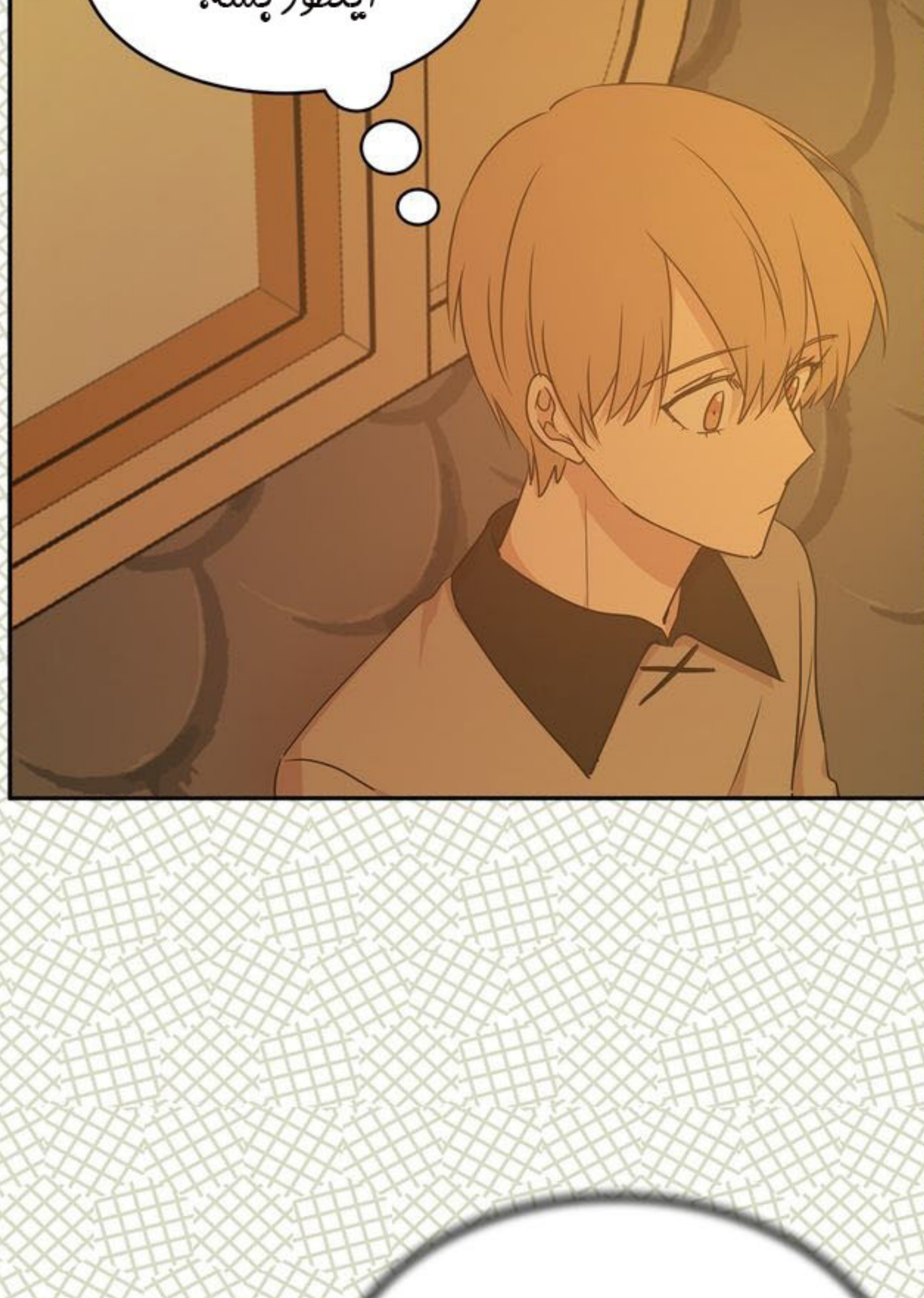


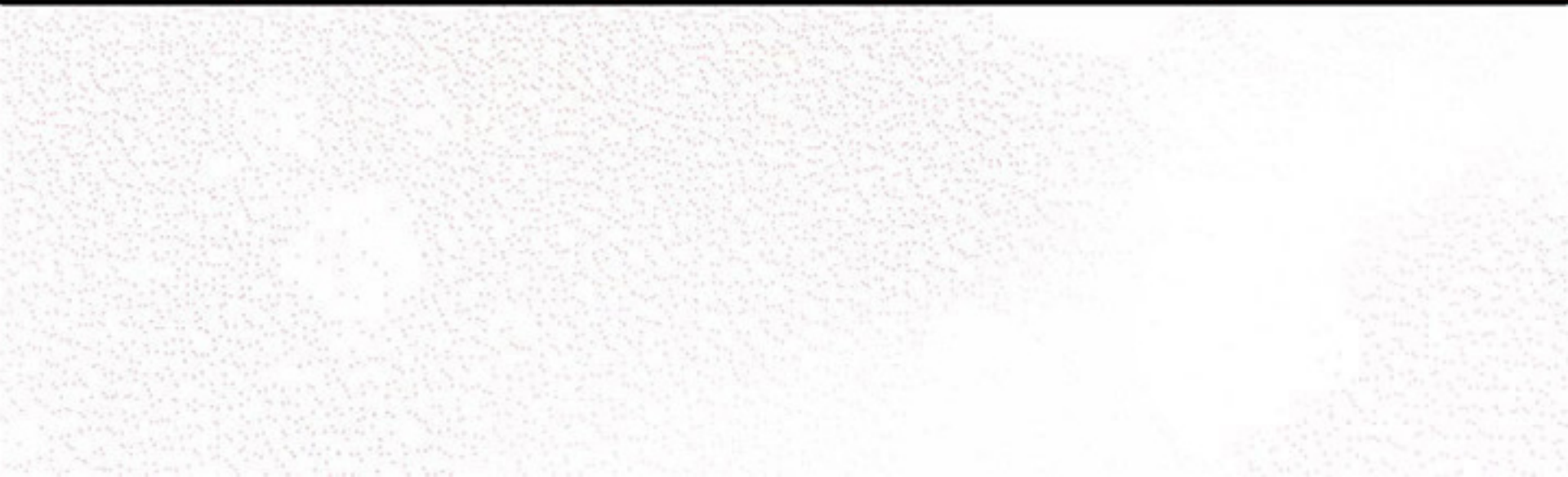
SMOOCH ♡



Ep 46









اگه پازم اینچا پمونم...

... ممکنه زندگی ادوارد
به قتا پره.

ادوارد زندگی خودش و
پایان داستان خودش رو
داشت که پراش آماده
شده بود.

اون قهرمان
داستان منه.

استلارینو؟!



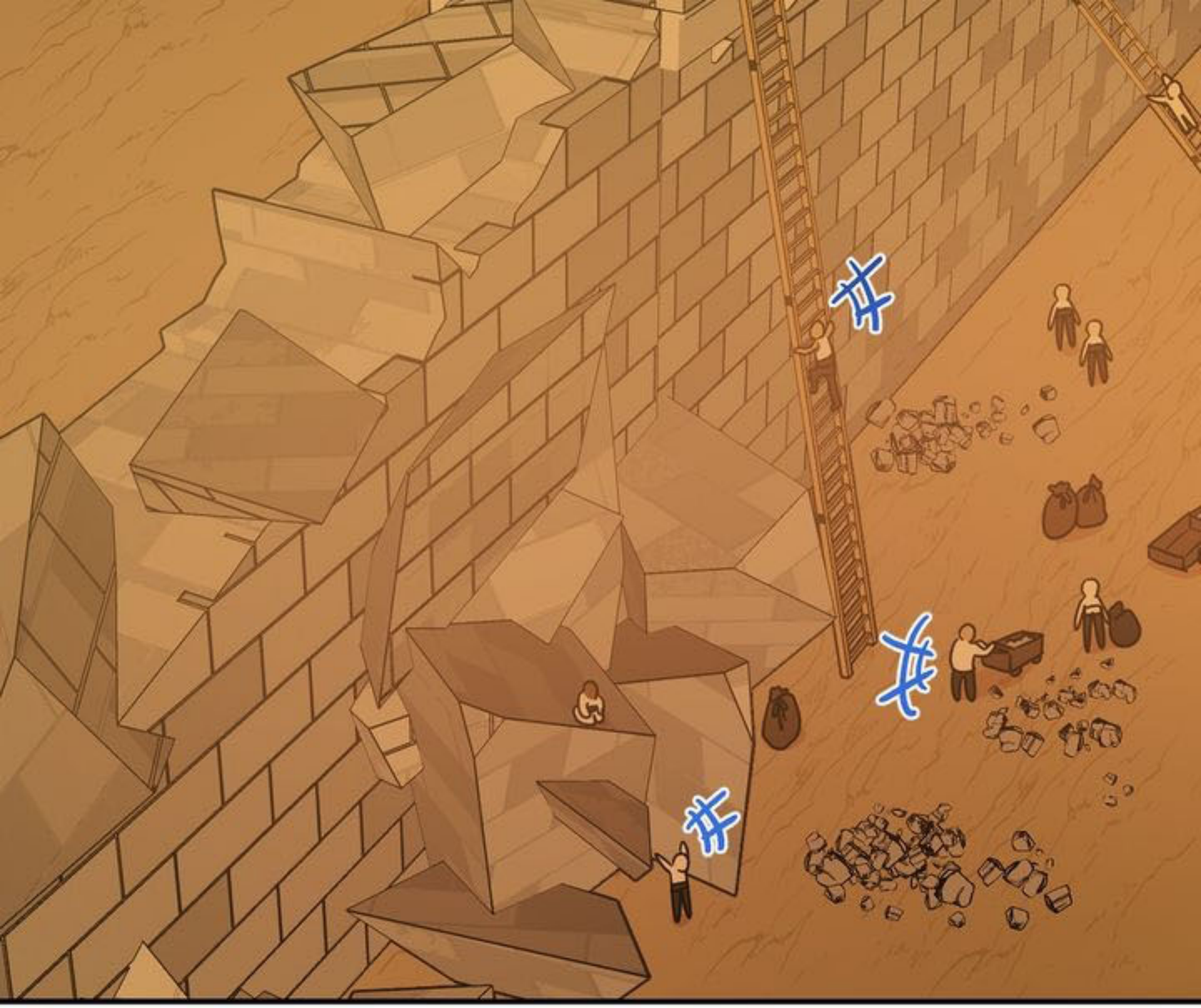
اینکا چیکار می کنین؟
خطرناکه!



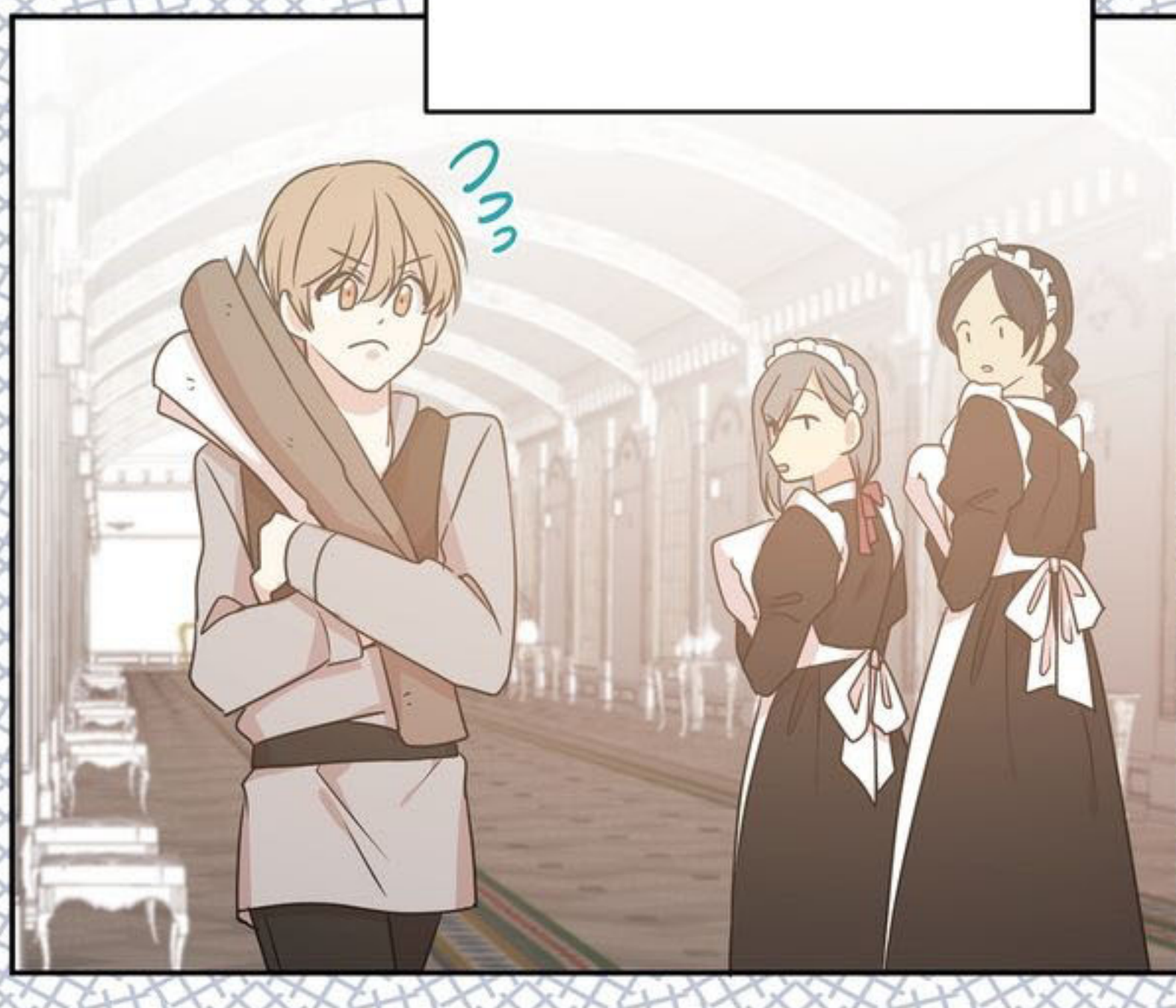
آه، ببخشید.

فکر کردم ممکنه
سیگنال توی ارتفاع
بیشتر باشه.





من بدون توقف حرکت
می‌کردم و دنبال راهی
بودم که به خونه برگردم.



جایی که اولین بار توی
این دنیا روش پا
گذاشتم رو بررسی
کردم.



اینجا جاییه که واسه
اولین بار توی زندگی
شلاق خوردم...

خود زنی.



این دفعه دارین
چیکار می‌کنین؟!

فقط در صورتی که چند
وقت یه بار ضربه بزنم
سخت افزار به کار
می‌افته!!

چشم بسته کلید رو
پشت هم فشار
دادم.



در ضمن، چند تا تغییر جزئی در روابطم با دیگران هم رخ داد.



استاد رینو!

استاد رینو!



استاد رینووو!



رفتارای کین به دلایلی مزمن تر شدن.

چرا این روزا کوچیکترین کارمو هم زیر نظر می گیری؟!!





زیر نظر گرفتن؟ دارم
ازت محافظت می‌کنم!

محافظت؟ نه که خطر از
در و دیوار این قلعه
می‌باره...



اگه تنهاتون بزارم، هیچ
تضمینی نیست که شما
بلایی سر بقیه نمی‌ارین.

آه، پس اینطور. داری
ازم محافظت می‌کنی تا
من...







چی، چی؟
حالا چی؟



من سی سالمه، تو رو په پیترا
قسم، په پوس کوچولو نیاید این
همه منو پهم پریږه...

HEHE

ولی مدتی می گذره که این
همه هیچان زده نشدم...

عزیز!!!!

WHAM

چرا بچم باید فکر کنه
من جذایمممم!!!!

Slump



... دلم می‌خواد یه بار
دیگه طعمشو بچشم.

باید بکشم پیرون!
باید بکشم پیرون!
هیچ راه دیگه‌ای
نیست!

AAAHH~

GAAAH



مُخِل شدم رفت! در مغزمو قفل
کردن و کلیدشو انداختن
تو دستشویی

آخ، نمی‌تونم همش نادیدش بگیرم
و اینطوری دمدی مزاج بمونم.

CLENCH



به طور قطع اون روز
داشتم با ادوارد همراهی
می‌کردم.

فکرش نمى کردم اون چوجه
شتر مرغ يه همچين
احساساتى داشته باشه...

BADUM

BADUM

BADUM

SQUEEZE

اين طوري نيست كه ناول اصلى
صحنه رمانتيك نداشته باشه، ولي
هيچ وقت جدى نبوده...



من نمی‌تونم...



... احساساتم رو طوری دور
بریزم که انگار هیچ وقت
وجود نداشتم.



...من باید یه صحبت
چدی با ادوارد داشته
باشم.

باید پهنش بگم که همین
الان باید برم.

... و ارزش پدرسم چه
احساسی داره.

To Be Continued



Story : KIM SUO
Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

